

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري
همبورگ - جرمني

قامتِ کمان

فصلِ پیری آمد و بار گران	ناتوانی می شود آخر عیان
یادِ ایامِ جوانیهای من	بلبل و باغ و چمن و بوستان
عاشق شام و سحر و های و هو	میله و دشت و دمان و ارغوان
ساقی و جام می و بوس و کنار	بالبِ پُرخنده و طبع جوان
نی غم فردا و فکر زندگی	نی تلاش و محنتِ یک لقمه نان
نی به فکر و ذکر روز آخرت	نی به سودای گناه بیکران
نی به فکر توبه مثل نصوح	نی به فکر چاره و سود و زیان
نی به فکر گرم و سرد روزگار	نی به فکر نوبهار و نی خزان
غافل از روز و شب و لیل و نهار	غافل از سیر زمین و آسمان
لا تعقل بودم و غفلت گزین	از نشیب و از فراز عمر مان
دوره پیری رسید و عاقبت	چشم بکشودم به ابنای زمان
دیدگان من ضعیف و قائم	از جفای روزگاران شد کمان
بی وطن، آواره و دست دُعا	بار دوش و احتیاج دیگران

{ ناظما } جز توبه از تقصیر کو؟

در جهان چشم امیدِ عاصیان